



## بررسی حکم نگاه پزشک معالج به نامحرم، با توجه به دیدگاه آیت‌الله خویی و حضرت امام (ره) با تأکید بر آیات و روایات

عذرالسادات لطیفی حسینی\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳

### چکیده

یکی از موضوعاتی که امروزه در جامعه اسلامی پراهمیت است، مراجعه بیمار به پزشک معالج است که گاهی شخص بیمار، جنس مخالف است و بر همین اساس گاهی هم پزشک برای تشخیص و درمان مجبور به نگاه به نامحرم می‌شود؛ با توجه به اهمیت و کاربردی بودن این مسئله، بررسی آن، موضوع مورد بحث این تحقیق قرار گرفته است، در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی، سعی شده به سؤالاتی از قبیل: حد جواز نگاه در این موارد چقدر است؟، آیا نگاه به تمام بدن جایز می‌شود و یا با توجه به علت و حکمت حکم جواز، فقط مواضع خاصی از حکم حرمت استثناء شده‌اند؟ و دیگر این که آیا این موارد به صورت مطلق جایز شمرده شده‌اند و یا حکم جواز آن‌ها مشروط به احراز شرایط است؟ و... که پس از بیان اقوال و دیدگاه علماء به شرایط و حدود آن پرداخته و در آخر مبانی فقهی حکم جواز آن‌ها از دیدگاه آیت‌الله خویی و حضرت امام ذکر می‌شود؛ با توجه به مباحث مطرح شده، مشخص می‌شود، مسئله جواز نگاه پزشک نامحرم در صورت ضرورت مورد اتفاق فقها است ولی به دلیل اختلاف در تفسیر معنای اضطرار در محدوده و در تحقق عنوان اضطرار و در نتیجه در شرایط جواز آن اختلاف نظر دارند، ولی به هر حال برای جواز این نگاه شرایطی چون تحقق عنوان اضطرار، عدم وجود مماثل و ارفق بودن پزشک معالج را لازم دانسته‌اند.

کلیدواژگان: نظر، حرمت، نامحرم، معالج، اضطرار.

\* مدرس حوزه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) بوشهر.

## ۱. مقدمه

مسئله نگاه تأثیر مستقیمی بر سعادت و شقاوت انسان دارد؛ لذا دین مبین اسلام که برنامه‌ی جامعی برای رساندن انسان به سعادت دارد از جنبه‌های مختلف آن را مورد بررسی قرار داده است و به خاطر اثرات مخربی که نگاه آلوده در زندگی انسان دارد، در قوانین اسلام محدودیت‌هایی برای نگاه به خصوص در نگاه به جنس مخالف، در نظر گرفته شده است.

بسیار اتفاق می‌افتد که بیمار برای معالجه به پزشک جنس مخالف مراجعه کند گاهی هم پزشک برای تشخیص و درمان مجبور به نگاه به نامحرم می‌شود و با تخصصی شدن رشته‌های پزشکی و نیز پیدایش مسائل جدید پزشکی از جمله پیوند اعضا و کالبدشکافی دسترسی به پزشک متخصص هم‌جنس در هر منطقه دشوار شده و به تبع آن مراجعه به پزشک متخصص غیر هم‌جنس نمود بیشتری پیدا کرده است و شدت مسئله نگاه به نامحرم در جاهایی مثل اتاق عمل که بیش از یک نفر بر سر درمان حضور دارند چشمگیر شده علاوه بر آن با فراگیر شدن اعمال جراحی غیر ضروری از جمله عمل‌های زیبایی توسط پزشک غیر هم‌جنس ضرورت بررسی فقهی این مسئله دو چندان می‌شود و در کشور ما که حکومت اسلامی برقرار است و پزشکان و پرستاران و به‌طور کلی کادر درمانی و بیماران مسلمان و مقید به احکام فقهی و دینی هستند لازم است وظیفه شرعی کادر پزشکی و بیماران در این مسئله مورد بررسی قرار گیرد که آیا همین‌طور که عوام پزشک را محرم می‌دانند در شرع نیز به‌طور مطلق این نگاه‌ها جایز شمرده شده است و یا اینکه شارع با شرایط و حدودی حکم جواز داده است؟ با وجود این که حکم جواز نگاه طبیب به بیمار نامحرم یکی از احکام شرعی پرکاربرد است ولی متأسفانه اکثر افراد به این حکم توجهی نداشته و آن را رعایت نمی‌کنند به‌گونه‌ای که حتی رعایت آن از سوی متدینین مورد تعجب عده‌ای قرار می‌گیرد.

از جمله مباحثی که فقهاء در این زمینه مطرح می‌کنند این است که اگر مراجعه به پزشک نامحرم جایز باشد آیا طبیب هم می‌تواند به بدن نامحرم نگاه کند؟ مسئله دیگری



که مطرح می‌شود این است که حدود و شرایط چنین نگاهی چگونه است. از این رو از دو جهت این مسئله مورد بررسی قرار می‌گیرد یک‌بار حکم معالجه طیب همراه با نگاه به نامحرم و بار دیگر حکم مراجعه بیمار به پزشک نامحرم و وظیفه شرعی آن‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد ولی چون بحث این نوشتار مستندات استثناءهای حکم حرمت نگاه می‌باشد آنچه در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد حکم نگاه پزشک می‌باشد هر چند بین مراجعه و معالجه در این مسئله تلازم برقرار است ولی بحث مراجعه‌ی بیمار بحثی جدا از مستثنیات حکم نگاه می‌باشد و خود بحث مستثلی است که در این مقاله نمی‌گنجد.

## ۲. پیشینه موضوع

از آنجایی که موضوع این مقاله، بررسی حکم حرمت نگاه پزشک معالج به بیمار نامحرم از دیدگاه حضرت امام خمینی و آیت‌الله خوئی می‌باشد؛ لذا سعی بر این است پیشینه این مسئله از صدر اسلام مورد توجه و بحث قرار گیرد؛ هم‌زمان با ظهور و پیدایش اسلام آیاتی در راستای بیان وظایف و مسئولیت‌های مسلمانان نازل شده است که حکم نگاه به نامحرم و استثنائات آن هم بیان شده و بعضاً مردم برای تبیین حکم مسئله و تشریح وظیفه خود به معصومین مراجعه می‌کردند که روایات زیادی هم از معصومین در این زمینه وارد شده که به بیان حکم حرمت نگاه به نامحرم و آثار و پیامدهای ناشی از نگاه حرام و استثنائات آن پرداخته‌اند، علمای فقه این مسئله را در بین بقیه مطالب مرتبط با این بحث در باب نکاح آن هم به صورت جزئی و پراکنده مطرح کرده‌اند.

در کتب و مقالات پیرامون حجاب هم گاهی به صورت خیلی جزئی این موارد ذکر شده‌اند؛ البته این موارد در آثار مربوط به نگاه حرام هم ذکر شده‌اند از جمله:

۱- ابراهیمی احمد، احکام معالجه پزشک و مراجعه بیمار همراه با لمس و نظر (قسمت دوم) مجله تا اجتهاد، سال دوم، پیش شماره ۷ و ۸، تابستان و پاییز ۱۳۹۲.

۲- ابراهیمی احمد؛ پایان نامه احکام معالجه پزشک و مراجعه بیمار همراه با لمس و نظر (قسمت اول) مجله تا اجتهاد، پیش شماره پنجم و ششم، زمستان ۹۱ و بهار ۹۲، ص ۱۳۱- فیاض کابلی محمد اسحاق، رساله توضیح المسائل، قم، انتشارات مجلسی چاپ اول ۱۴۲۶ق.

مقاله و پایان نامه اخیر حکم لمس، نظر و مراجعه بیمار نیز مورد بررسی قرار داده است؛ در حالی که این نوشته، فقط به بررسی حکم نگاه پزشک معالج به نامحرم، پرداخته است؛ آنچه این نوشته را متمایز کرده است، جامع‌نگری است که در واکاوی این مسئله مورد توجه قرار گرفته است و به‌طور خاص، این مسئله را از دیدگاه حضرت امام و آیت الله خوینی بررسی کرده است.

### ۳. مفاهیم

#### مفهوم واژه نظر

نگاه، اسم از مصدر نگریستن به معنای نگرش و نظر است، که در ادامه به بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی نظر خواهیم پرداخت. «النَّظَرُ: حَسُّ الْعَيْنِ» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ج ۵، ص ۲۱۵). نظر حس چشم را گویند. «النَّظَرُ: تَأَمُّلُ الشَّيْءِ بِالْعَيْنِ وَ النَّظَرُ: الْإِنْتِظَارُ» (جوهری، الصحاح، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۸۳۰). نظر در لغت به معنای نگاه کرن با چشم و تأمل در آن و یا منتظر چیزی بودن است: «رُؤْيُهُ فِي تَعَمُّقٍ وَ تَحْقِيقٍ فِي مَوْضُوعٍ مَادِّيٍّ أَوْ مَعْنَوِيٍّ، بَبَصَرٍ أَوْ بِبَصِيرَةٍ»، (مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ۱۴۳۰: ج ۱۲، ص ۱۸۴)؛ نظر یعنی نگاه کردن دقیق و عمیق در امور مادی یا معنوی به وسیله چشم یا بصیرت، «النَّظَرُ: تَقْلِيبُ الْبَصَرِ وَ الْبَصِيرَةُ لِإِدْرَاقِ الشَّيْءِ وَ رُؤْيَتِهِ، وَ قَدْ يَرَادُ بِهِ التَّأَمُّلُ وَ الْفَحْصُ، وَ قَدْ يَرَادُ بِهِ الْمَعْرِفَةُ الْحَاصِلَةُ بَعْدَ الْفَحْصِ، وَ هُوَ الرُّؤْيَةُ» (راغب اصفهانی، مفردات، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۸۱۲)؛ «نظر برگرداندن و توجه دادن چشم ظاهر و چشم باطن برای دیدن و ادراک چیزی است، که مقصود از این عمل تأمل و تحقیق در باره آن است و نیز مقصود از دیدن و تأمل به دست آوردن معرفت و شناختی است که بعد از تحقیق حاصل می‌شود و آن را "رویه" یعنی اندیشه و تدبیر گویند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۳۵۸). گاهی نظر به معنای تعطف و رحم و مهربانی کردن است به واسطه آنچه نزد اوست (فراهیدی، العين، ۱۴۰۹: ج ۸، ص ۱۵۴). همان طور که خداوند می‌فرماید: «وَ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (آل عمران / ۷۷).

در معنای اصطلاحی نظر گفته‌اند: «فکری است که منجر به علم و اعتقاد و یا ظن می‌گردد»، (عبدالمنعم فهیم و برکه، عالم النبات في القرآن الكريم، ۱۴۱۹: ج ۳، ص ۴۲۶).



اما «لفظ نظر در فقه برای تأمل و دیدن با چشم استعمال شده است که این معنی در عرف بسیار استفاده شده و موضوع بسیاری از احکام فرعیه واقع شده است»، (مشکینی، مصطلحات الفقه، ۱۳۸۶: ص ۵۴۰).

بنابر تعاریف، نگاه دو مصداق دارد؛ نگاه با چشم و تأمل و عنایت قلبی، واضح است که در این تحقیق تأمل و نگاه با چشم مراد است و نظر و تأمل قلب محل بحث نیست. نگاه به معنای اعم شامل نگاه مستقیم و نگاه غیرمستقیم است که نگاه در آب و آینه و شیشه از اقسام نگاه غیرمستقیم هستند. فقها نگاه به عکس و نگاه از طریق صفحه تلویزیون و مانیتور را در حکم به نگاه به آینه ملحق کرده‌اند که خود نیاز به بحث گسترده‌تری دارد که در این تحقیق نمی‌گنجد. بنابراین آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد نگاه به صورت مستقیم منظور می‌باشد.

### مفهوم معالج

در لسان روایات و کلام فقهاء وسیع‌تر از پزشک و طبیب است؛ کتب لغوی این واژه را چنین معنا کرده‌اند: «المعالج: المداوی، سواء عالج جریحاً أو علی لا أو دابه» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ص ۳۲۷)؛ یعنی مداوا کننده و برطرف‌کننده زخم یا عیب و اعم از پزشک و طبیب است و شامل پرستار، متصدی آزمایشگاه و رادیولوژی، مسئول آزمایشگاه و شکسته‌بند و... می‌شود بنابراین حکم پزشک و پرستار و هر آن‌که امر درمان را بر عهده دارد یکسان است.

### مفهوم اضطرار و ضرورت

با توجه به این که در کلام فقهاء حکم جواز نگاه پزشک معالج مشروط به ضرورت و اضطرار شده است لازم می‌آید که در مورد آن توضیحاتی داده شود.

ضرورت و اضطرار هر دو از ریشه «ضرر» می‌باشند. اضطرار مصدر باب افتعال به معنای محتاج بودن و ناچار شدن است معاجم لغوی اضطرار را این‌گونه معنا کرده‌اند: «حمل الانسان علی ما یضره» (راغب اصفهانی، مفردات ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۵۰۵). یعنی مجبور شدن انسان بر آنچه به او ضرر می‌رساند و یا «الاحتیاج الی شیء» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴/۴۸۳). و گاهی آن را به معنای نیاز و حاجت شدید دانسته‌اند (سعدی، القاموس الفقهی

لغَةً و اصطلاحاً، ۱۴۰۸ق: ۲۲۲). اضطرار در معنای ناچار شدن و ناگزیر شدن از انجام یا ترک کاری به کار می‌رود (جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ق: ج ۱، ص ۵۴۲). ضرورت اسم مصدر برای اضطرار (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ص ۴۸۳). و به همان معنای نیاز و حاجت شدید است؛ اضطرار یک عنوان ثانوی است که با پیدایش آن، مکلف از موضوع حکم شرعی خارج شده، در نتیجه حکم از او برداشته می‌شود و منشأ آن اکراه و یا تقیه و یا صرف بیم زیان بدون اکراه و تقیه می‌باشد؛ اضطرار از دیدگاه فقهاء مشهور، از بیم عقلایی - نه صرف پندار - از رسیدن زبانی که به طور معمول قابل تحمّل نیست، محقق می‌شود؛ خواه برای خود انسان یا فردی که حفظ او بر انسان واجب است؛ ضرر نیز جانی باشد یا مالی و یا حیثیتی و ناموسی؛ ضرر جانی نیز در حدّ کشته شدن یا نقص عضو یا پیدایش بیماری یا شدت پیدا کردن آن یا طولانی شدن دوره درمان یا مشکل شدن مداوا و یا پیدایش عارضه‌ای که منجر به یکی از آسیب‌های یادشده گردد (جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ق: ج ۱، ص ۵۴۲).

برای اضطرار معنای اصطلاحی خاصی ذکر نشده بلکه به همان معنای لغوی و عرفی به کار می‌رود و گاهی موضوع حکم شرعی قرار گرفته و مورد بحث فقهاء قرار می‌گیرد لذا آن را از عناوین ثانویه ذکر کرده که احکام اولیه را رفع می‌کند به گونه‌ای که اگر عنوان اضطرار بر فعل حرامی منطبق شود حرمتش از بین رفته و برای شخص مضطر حلال می‌گردد و اگر بر ترک واجبی منطبق شود ترک آن جایز می‌شود (مشکینی، مصطلحات الفقه، ۱۳۸۶: ص ۷۴).

فقهاء تفاسیر متفاوتی از معنای اضطرار دارند و برای آن مراتب مختلفی را ذکر کرده‌اند ولی به طور کلی اضطرار را رافع مسئولیت می‌دانند؛ شیخ طوسی تلف و هلاکت نفس را حد اضطرار قرار داده است (طوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۱۴۰۰ق: ص ۵۸۶). طبق این تفسیر تنها در جایی که خطر جانی وجود داشته باشد ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب جایز می‌باشد؛ صاحب جواهر نیز این دیدگاه را برگزیده است (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۲۱ق: ج ۳۶، ص ۴۲۶). مشهور فقهاء امامیه از جمله شهید ثانی در مسالک



(عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ۱۴۲۵ق: ج ۱۲، ص ۱۱۳). حد اضطراب را توسعه داده و معتقدند مجوز ارتکاب حرام فقط ترس از تلف جان نیست بلکه با ترس از به وجود آمدن نقص عضو، بیماری، تشدید و یا طولانی شدن آن و دشوار شدن معالجه و... عنوان اضطراب تحقق پیدا می‌کند (عبداللهی، قاعده اضطراب، ۱۳۸۲: ص ۸۷). صاحب جواهر، قاضی شاگرد شهید ثانی و ابن ادریس و علامه در مختلف را هم عقیده شهید ثانی ذکر کرده (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۲۱ق: ج ۳۶، ص ۴۲۶) و عده‌ای چون حضرت امام (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۱۷۰). معنای اضطراب را بیش از مشهور توسعه داده و مجوز ارتکاب حرام را تعمیم داده و معتقدند تحقق اضطراب فقط جنبه‌ی فردی ندارد بلکه شخص مضطر به خاطر دیگران یا به دلیل اکراه و یا از روی تقیه می‌تواند مرتکب حرام شود (عبداللهی، قاعده اضطراب، ۱۳۸۲، ص ۸۷).

برای محقق شدن اضطراب شرط شده که اولاً خطر مسلم الوقوع باشد و ثانیاً خطر شدید باشد به نحوی که شخص ترس از تلف جان یا عضو داشته باشد علاوه بر آن خطر توسط خود مضطر ایجاد نشده باشد و مضطر به موجب شرع یا قانون مکلف به تحمل ضرر نباشد (محقق داماد، قواعد فقه، ۱۴۰۶ق: ج ۴، ص ۱۴۶).

شخص مضطر در صورت احراز شرایط زیر می‌تواند اقدام به ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب کند: اولاً ارتکاب فعل حرام تنها راه دفع ضرورت و نجات نفس باشد؛ ثانیاً شخص مضطر باید به اندازه حاجت و متناسب با اوضاع و احوال اضطرابی با رعایت اهل فاللسهل اقدام به ارتکاب حرام کند زیرا در کنار قاعده «الضرورات تبيح المحظورات» قاعده‌ی عقلی «الضرورات تنق در بقدرها» هم وجود دارد که طبق مفاد آن انجام فعل اضطرابی تنها تارفع حالت ضرورت و متناسب با خطر و تهدید جایز است. گاهی می‌توان با یک اقدام مباح از خود رفع خطر کرد و گاهی برای دفع خطر ناچار است مرتکب فعلی شود که در شرایط عادی نامشروع است البته به قدر مورد لزوم، با وجود این، گاهی شدت خطر و اضطراب به حدی است که برخی از فقها برای رهایی از خطر هلاکت نفس قائل به وجوب ارتکاب فعل اضطرابی شده‌اند. کرده‌اند. در تحریر الوسیله آمده است: «اگر فردی مضطر به انجام حرامی شد واجب است برای رفع ضرورت مرتکب فعل حرام

شود» (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۹۲: ج ۲، ص ۱۷۰). بنابراین، نهایت اقدام اضطراری نهایت ضرورت است و با رفع ضرورت، جواز اقدام هم مرتفع خواهد شد و قاعده‌ی «الضرورات تتق در بقدرها» حاکم می‌شود (محقق داماد، قواعد فقه، ۱۴۰۶ق: ص ۱۴۸).

#### ۴. آراء و اقوال فقهاء در اصل جواز معالجه همراه با نگاه به نامحرم

ابن ادريس در السراير نگاه به بدن زن در موقع ضرورت و حاجت مانند نگاه پزشک معالج به بیمار حتی نگاه به عورت، چون موقع ضرورت است و علاج جز بعد از آگاهی از آن ممکن نیست، را جایز می‌داند (ابن ادريس، السراير الحاوی لتقرير الفتاوی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۶۰۸). علامه حلی در قواعد الاحکام (حلی، قواعد الاحکام، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۶). محقق کرکی در جامع المقاصد (کرکی، جامع المقاصد، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ص ۳۲). و فخر المحققین در (حلی، ایضاح الفوائد، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۷). نگاه پزشک به بدن زن نامحرم حتی عورت او را به جهت علاج و درمان جایز می‌دانند؛ شیخ انصاری نیز نگاه طبیب به بدن بیمار نامحرم حتی عورت او را به حکم عقل و نقل جایز دانسته و آن را از مصادیق ضرورت می‌داند (انصاری، کتاب النکاح، ۱۴۱۵ق: ص ۵۶). شهید ثانی در مسالک نگاه پزشک معالج به زن نامحرم حتی عورت او را جایز می‌داند و ظاهر کلام ایشان این گونه برمی‌آید که ایشان مطلق حاجت را کافی می‌دانند (عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ۱۴۲۵ق: ج ۷، ص ۴۹). صاحب جواهر برای جواز نگاه در این مسئله اضطرار عرفی را لازم می‌داند و با به کار بردن تعبیر «لاریب» آن را نزدیک به اجماع می‌داند (نجفی، ۱۴۲۱: ۸۸). آیت‌الله سید حکیم در مستمسک می‌گویند: «لا اشکال فی ذلک ولا خلاف...» و در ادامه گفته‌اند در مسالک بر جواز نظر پزشک در صورت نیاز و حاجت اجماع وجود دارد (حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ۱۴۱۶ق: ج ۱۴، ص ۳۴). آیت‌الله اراکی نیز معتقد است: «اگر مرد برای معالجه زن نامحرم با فرض نبودن زنی که در کیفیت معالجه و تحمل درد با مرد مساوی باشد ناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و





اگر با دست زدن بتواند معالجه کند، نباید او را نگاه کند». صاحب عروه نیز مقام معالجه را از حکم حرمت نگاه استثناء کرده و گفته در صورتی که پزشک مماثل نباشد جایز است که پزشک برای معالجه و آنچه معالجه بر آن متوقف است مثل گرفتن نبض و بستن شکستگی و زخم و فصد و حجامت و غیر آن به نامحرم در صورت ضرورت نگاه کند (طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، بی تا: ج ۲، ص ۸۰۳). آیت الله زنجانی حکم این مسئله را این گونه بیان می‌کند: «مطابق این مسئله اگر ما نظر به وجه و کفین را هم حرام بدانیم در هنگام معالجه جایز می‌شود و همچنین قبل از معالجه اگر مقدماتی دارد باز نظر به مواضع حرام جایز می‌شود» (زنجانی، کتاب نکاح، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۶۸۰). محقق نراقی می‌گوید: «نگاه مرد و زن بیگانه به یکدیگر در موقع ضرورت جایز است؛ یعنی جایی که ناچار از این نگاه است و یا اینکه ترک این نگاه موجب عسر و حرج می‌شود زیرا ضرر و حرج در دین منتفی شده است» (نراقی، مستند الشیعه، ۱۴۱۵ق: ج ۱۶، ص ۶۵).

از ظاهر عبارات فقهاء چنین برمی‌آید که اصل جواز، مسئله‌ی مسلم و پذیرفته شده است و حتی ادعای اجماع هم در آن وجود دارد و آنچه جای بحث دارد ادله‌ی جواز مسئله است که بر اساس آن‌ها محدوده و شرایط حکم جواز مشخص می‌شود و بر اساس آن‌ها فقهاء فتاوی‌ی مختلفی در باب محدوده و شرایط آن داده‌اند برخی مطلق حاجت را برای جواز کافی دانسته و عده‌ای حاجت شدید را شرط دانسته و برخی هم اضطرار به معنای حقیقی را لازمه این جواز دانسته‌اند.

## ۵. ادله حکم جواز نگاه پزشک نامحرم در نگاه به غیر عورت

### دلیل عقلی: قاعده اهم و مهم

یک قاعده‌ی عقلی است و مانند قاعده‌ی اضطرار و ضرورت از عناوین ثانویه می‌باشد به این معنا که اگر در کلام مولی دو مصلحت با هم تعارض داشته باشند به گونه‌ای که نتوان بین آن‌ها جمع کرد ناچار یکی از آن دو از دست می‌رود که در این موارد بنا بر عقل مصلحت قوی‌تر انتخاب شده و آن که از اهمیت کمتری برخوردار است رها می‌شود این قاعده‌ی عقلی قطعی است و مصداق «کلما حکم به العقل حکم به الشرع» است. بنابراین هرکجا متوجه شدیم که مصلحتی، مهم‌تر از مفسده نگاه حرام است از حکم حرمت استثناء

شده و حکم جواز صادر می‌گردد پس در موارد دوران امر بین محذورین قاعده‌ی اهم و مهم حاکم می‌شود (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۴۲۴ق: ج ۱، ص ۴۹). از این قاعده در گفتار پنجم سخن به میان آمده است.

### دلیل نقلی (روایات)

-روایت آبی حمزه ثمالی عن آبی جعفر علیه السلام: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ يَصِيْبُهَا الْبَلَاءُ فِي جَسَدِهَا - إِمَّا كَسْرٌ وَإِمَّا جُرْحٌ فِي مَكَانٍ لَا يَصْلُحُ النَّظْرُ إِلَيْهِ - يَكُونُ الرَّجُلُ أَرْفَقَ بِعِلَاجِهِ مِنَ النِّسَاءِ - وَ يَصْلُحُ لَهُ النَّظْرُ إِلَيْهَا - قَالَ إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ فَلْيُعَالَجْهَا انْشَاءً» (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۲۰، ص ۲۳۳).

در این روایت در مورد زن مسلمانی که در جایی از بدنش که نگاه کردن نامحرم به آن موضع جایز نیست شکستگی یا زخمی وجود دارد سؤال شده که آیا شخص معالجه‌ی که ماهرتر از زنان است می‌تواند به منظور معالجه به آن موضع نگاه کند؟ امام در جواب می‌گویند اگر دچار اضطرار شود جایز است البته اگر خود زن بخواهد.

### سند روایت

فقهاء این روایت را معتبره می‌دانند و برخی همچون آیت‌الله خویی از آن به صحیحه تعبیر کرده‌اند، آیت‌الله مکارم می‌گوید در سند روایت اشکالی نیست چون رجال آن‌همگی ثقه‌اند (مکارم شیرازی، انوار الفقاهه، ۱۴۲۵ق: صص ۹۵-۹۶).

### فقه الحدیث روایت

در این روایت در مورد مرجع ضمیر «الیه» در اضطررت علیه، سه احتمال وجود دارد: اول اینکه ضمیر به طبیعی علاج برمی‌گردد و به این معنی است که اگر زن مضطر به مراجعه باشد پزشک می‌تواند نگاه کند که در این صورت روایت اطلاق دارد و حتی در صورتی که پزشک غیر ارفق هم‌جنس هم وجود داشته باشد چون مضطر به اصل معالجه شده می‌تواند به پزشک غیر هم‌جنس ارفق مراجعه کند و نگاه پزشک هم جایز است؛



احتمال دوم اینکه ضمیر به علاج مرد برمی‌گردد به این معنی که اگر زن مضطر به مراجعه به پزشک مرد شود نگاه پزشک معالج جایز است که در این صورت هم اضطراب به اصل معالجه وجود دارد و هم اضطراب به معالجه طبیب مرد که در این صورت فقط در صورتی که امکان معالجه توسط پزشک هم‌جنس یا محرم نباشد زن می‌تواند به پزشک مرد مراجعه کند و حکم جواز نگاه پزشک مرد فقط در صورت وجود اضطراب به معالجه شدن توسط طبیب مرد است و سومین احتمال این که ضمیر به «نظر» برمی‌گردد که در این صورت معنای آن این است که اگر نگاه کردن ضرورت پیدا کند نگاه کردن برای پزشک مرد جایز می‌شود (زنجانی، کتاب نکاح، ۱۴۱۹ق: ج ۳، ص ۷۵۲). بر اساس همین اختلاف تفسیر در مرجع ضمیر علمای معاصر هم فتاوی‌های متفاوتی داده‌اند و برخی از فقهاء از جمله آیت‌الله میرزا جواد تبریزی و سید خوبی ارفق بودن طبیب مرد را برای جواز نگاه کافی دانسته‌اند (تبریزی و خوبی، فقه الاعذار الشرعیة والمسائل الطیبیه ماصراه النجاه، ۱۴۲۷ق: ص ۲۰۹). و برخی چون آیت‌الله زنجانی اضطراب به معالجه پزشک مرد را لازم دانسته‌اند یعنی صرف ارفقیّت جواز معالجه برای پزشک نمی‌شود (زنجانی، کتاب نکاح، ۱۴۱۹ق: ج ۳، ص ۷۵۲). به نظر می‌رسد احتمال دوم درست باشد چراکه اگر مرجع ضمیر طبیعی علاج بود باید با اسم ظاهر ذکر می‌شد نه با ضمیر چون در عبارت قبل سخنی از طبیعی علاج نیست و بحث از علاج المرء می‌باشد؛ بنابراین طبق این روایت مراجعه به طبیب مرد با وجود طبیب زن جایز نیست (زنجانی، کتاب نکاح، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۶۸۸).

علاوه بر مرجع ضمیر ذکر شده در مورد تعبیر «فیعالجها» هم گفته شده که این امر دال بر ترخیص است و دلالتی بر الزام ندارد؛ آیت‌الله زنجانی این‌گونه بیان می‌کنند: «امر در این حدیث به معنای ترخیص است نه الزام، زیرا وقتی سائل درباره صلاحیت معالجه مرد می‌پرسد و حضرت نیز مسئله اضطراب را مطرح می‌فرمایند، از این امر فقط ترخیص استفاده می‌شود. به علاوه در مواردی که افراد به‌طور طبیعی تمایل دارند کاری را انجام دهند، اگر شارع امر کند از آن امر فقط ترخیص فهمیده می‌شود مثلاً در آیه قرآن آمده است: «إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا» (مائده/۲). یا «فَالْأَن بَاشِرُوهُنَّ» (بقره، ۱۸۷). بنابراین امر در

همه این موارد امر ترخیصی است نه الزامی» (زنجانی، کتاب نکاح، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۶۸۳).

آیت الله زنجانی در مورد تعبیر «آن شاءت» به کاررفته در روایت می گویند بعضی از فقهاء مثل حاج شیخ عبدالکریم حائری می گویند از این تعبیر استفاده می شود که حتی اگر در جایی رجوع به پزشک الزامی نباشد هم معالجه طیب و نگاه جایز است و مورد روایت، حرج است نه ضرر و هلاکت شدید ولی مرحوم آقای آشتیانی در حاشیه می فرمایند: «آن شاءت» دلالت ندارد که مورد روایت منحصر به صورت حرج است، اگر می فرمود: «آن شاءت العلاج» همین طور بود، ولی موضوع روایت مراجعه به مرد است یعنی اگر بخواهد می تواند به طیب مرد مراجعه کند، ممکن است معالجه هم ضروری باشد ولی در اینکه به طیب مرد مراجعه کند یا طیب زن مختار است، چون مرد ارفق است، می تواند به او مراجعه نماید این اشکال بر کلام مرحوم حاج شیخ وارد است و حرف درستی است (زنجانی، کتاب نکاح، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۶۹۷).

### دلالت روایت

زن چون برای مراجعه به طیب مرد اضطرار دارد جایز است که به او مراجعه کند ولی پزشک مرد که اضطراری در معالجه ندارد با چه مجوزی می تواند به او نگاه کند و معالجه اش نماید؟

به طور کلی اضطرار بیمار به دو صورت است گاهی بیمار در شرف مرگ یا نقص جانی است که در این صورت معالجه پزشک از باب حفظ نفس محترم نه تنها جایز بلکه واجب کفایی است و گاهی بیماری او به گونه ای نیست که منجر به مرگ یا قطع عضو شود و در حد درد شدید است که به طور معمول تحمل آن درد همراه با رنج و مشقت است که این فرض خود دو صورت دارد گاهی پزشک هم جنس است و گاهی غیر هم جنس البته هر یک از این دو فرض خود دو صورت دارد که یا نگاه به عورت است و یا نگاه به غیر عورت در فرض نگاه پزشک هم جنس به غیر عورت چون نگاه پزشک هم جنس جایز است از محل بحث خارج است و در فرض دوم هم پزشک غیر هم جنس یا زن است و یا مرد؛ مورد روایت هم فرض پزشک مرد را شامل می شود که حکم به



جواز آن داده شده است و فرض پزشک زن از مورد روایت خارج است (ابراهیمی، احکام معالجه پزشک و مراجعه بیمار همراه با لمس و نظر، ۱۳۹۲: ص ۱۳۱).

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا مورد روایت را می‌توان به پزشک زن تسری داد؟ آیت‌الله زنجانی می‌گوید که اگر این روایت طبق قاعده «اباحه محرمات برای مضطر» باشد می‌توان از مورد روایت به موارد دیگر هم تعددی کرد ولی اگر مطابق قاعده نباشد نمی‌توان از آن برای جواز معالجه طبیب زن استفاده کرد (زنجانی، کتاب نکاح، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۶۸۹) ظاهراً بر فرض مطابق نبودن مورد روایت با قاعده باز هم امکان تسری حکم جواز به طبیب زن با این مقدمات وجود دارد: اولاً: حرمت لمس و نظر به خاطر مفسده‌ی آن است و در موارد تراحم لمس و نظر حرام، موردی که مفسده کمتری دارد مقدم می‌شود کما این که برخی معتقدند که معالجه پزشک غیر هم‌جنس مسن بر پزشک غیر هم‌جنس جوان به دلیل مفسده‌ی کمتر مقدم است و ثانیاً: مفسده‌ی نگاه زن به مرد کمتر از مفسده نگاه مرد به زن است و ثالثاً: مرحوم خوئی با وجودی که ملازمه بین جواز مراجعه بیمار با جواز معالجه پزشک را قبول ندارند و برای جواز معالجه پزشک هم دلیلی جز روایت مورد نظر ندارند، باز هم حکم جواز طبیب مرد را به طبیب زن تسری داده و برای معالجه و نگاه طبیب زن هم قائل به جواز هستند.

بنابراین با توجه به این مقدمات بر فرض عدم پذیرش قانون ملازمه؛ اولاً: امکان ادعای اولویت در حکم جواز معالجه طبیب زن برای بیمار مرد وجود دارد و ثانیاً: با تنقیح مناط قطعی که در این مورد اهمیت مصلحت معالجه بر مفسده نگاه پزشک زن به مرد بیمار می‌باشد امکان تسری روایت به پزشک زن وجود دارد (ابراهیمی، احکام معالجه پزشک و مراجعه بیمار همراه با لمس و نظر، ۱۳۹۲: ص ۱۳۲).

سؤال دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا این روایت اطلاق دارد و فرض ایجاد شهوت و ریبه را هم شامل می‌شود یا نه؟

آیت‌الله اراکی شمول این روایت را نسبت به این موارد پذیرفته و معتقدند در فرض عدم شمول روایت ناظر به فرد نادر خواهد بود و این با حکمت تشریح و سیاق این روایت که دفع اضطرار است سازگاری ندارد بنابراین وجهی برای قید عدم شهوت و ریبه

و عدم جواز نگاه در صورت حصول شهوت و ریه وجود ندارد (اراکى، کتاب النکاح، ۱۴۱۹ق: ص ۲۲). آیت الله زنجانی از قول حاج شیخ عبدالکریم حائری می گویند: «اگر نگاه کردن طیب برای معالجه باشد، هر چند سبب التذاذ او شود، مانعی ندارد نوعاً اگر طیب جوان باشد و زن هم از قواعد نباشد و بدقیافه و تهوع آور هم نباشد، برای شخص طیب ممکن است تحریک و التذاذ رخ دهد، مع ذلک ایشان می فرمایند مانعی ندارد، چراکه در غیر این صورت، تجویز مراجعه بیمار به طیب لغو خواهد بود. شارع بر اساس مصالح کلی و از باب دفع افسد به فاسد، علی رغم آنکه ممکن است تحریکی برای طیب باشد، معالجه را اجازه داده است، چراکه در غیر این صورت، اطباء باید مطب خود را تعطیل کنند؛ به نظر می رسد که فرمایش ایشان به یک حاشیه نیاز دارد و آن اینکه باوجود اطبای پیر که توانایی طبابت دارند و تحریکی برای آن ها رخ نمی دهد، طیب جوان مجاز به معالجه نیست، باوجود من به الکفایه، نوبت به کسی که در معرض شهوت قرار می گیرد، نمی رسد. چون از روایت استفاده می شود که اضطرار منشأ جواز معالجه است و در اینجا اضطراری نیست» (زنجانی، کتاب نکاح، ۱۴۱۹ق: ۷۵۶).

-روایت دعائم الاسلام: «دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمَرْأَةِ تُصِيبُهَا الْعِلَّةُ فِي جَسَدِهَا أَوْ يَصْلُحُ أَنْ يَعَالَجَهَا الرَّجُلُ قَالَ إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَى ذَلِكَ فَلَا بَأْسَ» (محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸ق: ج ۱۴، ص ۲۹۰)  
در این روایت از امام باقر علیه السلام نقل شده که از امام علیه السلام درباره زنی که در بدنش بیماری وجود دارد سؤال شده که آیا پزشک مرد می تواند او را معالجه کند؟ و امام در پاسخ گفته اند اگر مضطر به معالجه شود اشکالی ندارد.

### سند روایت

این حدیث دلالتش خوب است ولی چون مرسله است (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۴۲۵ق: ص ۹۶). قابل استناد نیست.

## دلالت روایت

این روایت از جهاتی شبیه معتبره آبی حمزه است با این تفاوت که از اطلاق بیشتری برخوردار است و معالجه را به صورت مطلق در برمی‌گیرد یعنی هم معالجه همراه با لمس هم معالجه همراه با نظر برخلاف معتبره آبی حمزه که فقط در روایت بحث از نگاه در معالجه بود و بر جواز نگاه طیبب دلالت می‌کرد.

در این روایت برخلاف روایت قبل که سه احتمال در مورد مرجع ضمیر مطرح بود اینجا اسم اشاره «ذلک» به علاج مرد برمی‌گردد و شامل طبیعی علاج نمی‌شود بنابراین این روایت صرف ارفق بودن طیبب مرد را دلیل بر جواز معالجه نمی‌داند.

-روایت وهب ابن وهب عن ابی عبدالله علیه السلام: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا مَاتَتِ الْمَرْأَةُ وَفِي بَطْنِهَا وَكَلْدٌ يَتَحَرَّكُ شَقَّ بَطْنُهَا وَ يَخْرُجُ الْوَلَدُ وَقَالَ فِي الْمَرْأَةِ تَمُوتُ فِي بَطْنِهَا الْوَلَدُ فَيَتَخَوَّفُ عَلَيْهَا قَالَ لَا بَأْسَ أَنْ يَدْخِلَ الرَّجُلُ يَدَهُ فَيَقْطَعَهُ وَ يَخْرِجَهُ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۱۵۵).

ابن وهب به نقل از امام صادق علیه السلام می‌گوید: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود اگر زنی بمیرد و در شکمش کودک زنده‌ای باشد باید شکمش شکافته و کودک را بیرون آورد و در مورد زنی که جنینی در شکمش مرده و زندگی او را به خطر انداخته فرمود ایرادی ندارد که مرد دست در داخل رحمش کند و بچه را قطعه‌قطعه کند و بیرون بیاورد.

## سند روایت

در شروح فروع کافی آمده منظور از عبارت «عده من اصحابنا» در سند روایت «وهب ابن وهب» می‌باشد (مازندرانی، شروح فروع کافی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ص ۱۶۶). در بعضی از نسخه‌ها عبارت «اذا لم ترفق به النساء» به آخر روایت اضافه شده و حکم جواز معالجه برای مرد را در صورت نبودن زن ماهر جایز دانسته‌اند (کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶ق: ج ۲۴، ص ۳۴۰).

سیفی مازندرانی در کتاب دلیل تحالوسيله از آن تعبیر به «صحیحه ابی البختری» کرده است (سیفی مازندرانی، دلیل تحالوسيله، بی تا: ۸۰).



-روایت علی بن جعفر علیه السلام از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام: «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ بِيْطْنٍ فَخَذَهُ أَوْ أَلَيْتِهِ الْجُرْحُ - هَلْ يَصْلُحُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِ وَتَدَاوِيَهُ - قَالَ إِذَا لَمْ يَكُنْ عَوْرَةً فَلَا بَأْسَ» (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۲۰، ص ۲۳۳).

در این روایت از حکم مردی که در داخل رانش یا گوشت اطراف آن زخمی پدیدار شده سؤال شده که آیا جایز است زنی به آن نگاه کرده و او را مداوا کند؟ امام در جواب پاسخ داده‌اند اگر نگاه به عورت نباشد اشکالی ندارد.

### سند روایت

در مورد کتاب علی بن جعفر نظرات مختلفی وجود دارد برخی آن را صحیح می‌دانند آیت الله زنجانی از قول مرحوم خوبی روایات آن را صحیح می‌داند (زنجانی، کتاب نکاح، ۱۴۱۹ق: ج ۱۱، ص ۴۰۶۴). آیت الله مکارم در مورد سند این حدیث می‌گوید: «این حدیث سلسله سند ندارد ولی معتبر است چون ظاهراً کتاب «علی بن جعفر» نزد صاحب وسائل بوده و مستقیماً از او نقل می‌کند» (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ص ۵۱).

آیت الله زنجانی می‌گوید: آنچه مسلم است این است که علی ابن جعفر مسائلی داشته که شیخ طوسی و نجاشی کتابی را به وی نسبت داده‌اند و هرچند که طرق شیخ طوسی از طریق شیخ صدوق صحیح است ولی طریق شیخ حر از شیخ طوسی باید بررسی شود و برخی از فقهاء آن دسته از روایات ایشان را که در کافی و قرب الاسناد ذکر نشده‌اند، معتبر نمی‌دانند (زنجانی، کتاب نکاح، ۱۴۱۹ق: ج ۱۱، ص ۴۰۶۷).

### دلالت روایت

این روایت برخلاف معتبره آبی حمزه در مورد حکم معالجه پزشک زن است از آنجایی که در نگاه پزشک مرد به زن مفسده بیشتری است نمی‌توان حکم جواز طبابت پزشک زن در این روایت را به پزشک مرد تسری داد همچنین دلالت بر جواز معالجه طیب غیر هم جنس زن در غیر عورت را دارد.



## ۶. ملازمه‌ی اضطرار بیمار با جواز معالجه طیب

### ملازمه عقلی

عده‌ای از فقهاء از جمله آیت‌الله حائری برای اباحه نگاه پزشک در مقام معالجه قائل به ملازمه‌ی عقلی بین جواز رجوع بیمار به پزشک و جواز معالجه توسط پزشک هستند؛ آیت‌الله زنجانی از قول ایشان می‌گوید: اضطرار شخص برای انجام فعل حرام سبب نمی‌شود که انجام فعل توسط شخص دیگر هم جایز باشد مگر در صورتی که لازمه‌ی رفع اضطرار از شخص این باشد که از شخص دیگر هم رفع اضطرار شود؛ در این مسئله وقتی شارع به بیمار اجازه می‌دهد در صورت اضطرار به پزشک نامحرم مراجعه کند و با توجه به این که با صرف مراجعه مشکل حل نمی‌شود برای این که این حکم لغو نباشد لازمه‌اش این است که معالجه هم برای پزشک جایز باشد در غیر این صورت لغویت لازم می‌آید بنابراین «صونا کلام الحکیم عن الغویه» می‌توان از روایات اضطرار جواز حکم معالجه پزشک در صورت اضطرار را ثابت کرد. (همان، ۶۹۲).

طبق این ملازمه برای اثبات جواز حکم معالجه طیب همراه با نظر حرام، نیازی به معتبره آبی حمزه نیست و باقاعده‌ی اضطرار حکم آن را اثبات می‌کنند و از شمول بیشتری نسبت به روایت آبی حمزه برخوردار است و در جواب اشکال عده‌ای که می‌گویند اگر نگاه پزشک معالج جایز نباشد حکم جواز مراجعه بیمار به طیب لغو است گفته می‌شود بله اگر شارع این نگاه را ممنوع می‌دانست و این ممنوعیت شرعی با عالم تکوینی هماهنگ بود یعنی پزشکی در خارج، خلاف نمی‌کرد و دچار معصیت نمی‌شد، حکم جواز مراجعه بیمار برای دفع ضرر لغو می‌بود چراکه در خارج طبیبی وجود ندارد که مجاز به معالجه بیمار باشد، درحالی که چنین نیست و در میان اطباء نیز مثل دیگران افراد فاسق وجود دارد و معصیت می‌کنند و پایبند مسائل شرعی نیستند. لذا در اجازه دادن به بیمار جهت مراجعه به طیب، هیچ‌گونه لغویتی وجود ندارد. (همان، ۶۹۳).

ایشان در ادامه می‌گویند: «به نظر می‌رسد که عقلاً ملازمه‌ای میان تجویز شارع نسبت به مضطر و جواز عمل برای غیر مضطر وجود ندارد، ممکن است شارع عملی را برای مضطر تجویز کرده باشد ولی عدم جواز ارتکاب برای غیر مضطر موجب لغویت تجویز



شارع نشود، مثلاً شارع بگوید که اگر پزشکی آماده معالجه بود یا تو او را آماده کردی، حق رجوع به وی را برای معالجه داری؛ در این فرض عمل مضطر و حتی انجام مقدمات معالجه اشکال شرعی ندارد، ولی باین حال ممکن است وظیفه طیب آن باشد که از اقدام به معالجه امتناع کند و نمی توان گفت که لازمه عقلی جواز رجوع زن به پزشک مرد آن است که برای پزشک هم معالجه مجاز باشد زیرا ممکن است از آنجاکه اطباء در بسیاری موارد از معالجه مزبور خودداری نمی کنند، شارع این کار را برای زن ترخیص کرده باشد؛ بنابراین لازمه عدم جواز معاینه توسط پزشک لغویت ترخیص مزبور نیست» (همان، ۷۰۰).

### ملازمه‌ی عرفی

آیت الله زنجانی بعد از رد کردن ملازمه‌ی عقلی بین جواز مراجعه بیمار و جواز معالجه پزشک نامحرم قائل به ملازمه‌ی عرفی شده و می گویند عرف از دلیلی که جواز مراجعه بیمار مضطر به پزشک نامحرم را اثبات می کند جواز معالجه پزشک نامحرم را می فهمد و شارع مقدس مصلحت آزاد بودن طیب در معالجه را مهم تر از مفسده‌ی حرمت نظر دانسته است؛ بنابراین حکم جواز معالجه پزشک در روایت طبق قاعده است لذا در موارد دیگر مثل مراجعه به پزشک زن، هرچند بیمار در مراجعه به پزشک زن مضطر باشد و پزشک در معالجه او هیچ گونه اضطراری نداشته باشد هم همین حکم جاری است. (همان، ۶۹۶).

### ملازمه‌ی جریان قاعده‌ی «لاضرر» در حق بیمار با جواز معالجه طیب

دلیل دیگری که برخی فقهاء من جمله آیت الله حکیم از آن برای اثبات جواز حکم معالجه برای پزشک نامحرم استفاده می کنند قاعده‌ی «لاضرر» است؛ آیت الله زنجانی می گوید: مرحوم آقای حکیم بین صورت ضرر و اضطرار تفصیل قائل شده اند و جواز مراجعه بیمار به طیب در صورت ضرر را دلیل بر جواز معالجه طیب می دانند چراکه مجاز نبودن معالجه‌ی طیب با ادله لا ضرر که می خواهد مانع ضرر شود، ناسازگار خواهد بود ولی در صورت اضطرار بر رجوع بیمار به طیب نامحرم، دلیلی بر جواز معالجه توسط طیب وجود ندارد (همان، ۶۹۳).

## ۷. شرایط جواز نگاه پزشک معالج نامحرم

فقها با توجه به ادله عقلی و نقلی، نگاه پزشک نامحرم در مقام معالجه را از حکم حرمت نگاه استثناء کرده و برای جواز این حکم احراز شرایط ذیل را لازم دانسته‌اند:

### محقق شدن عنوان ضرورت و اضطرار

همه فقهاء حکم جواز را مشروط به تحقق ضرورت و اضطرار دانسته‌اند و در صورتی که اضطراری برای معالجه نباشد نگاه پزشک نامحرم جایز نیست؛ همان‌طور که در معنای ضرورت و اضطرار گذشت فقهاء در تحقق معنای اضطرار اختلاف نظر دارند عده‌ای خوف از هلاکت نفس، عده‌ای خوف از شدت بیماری یا خوف از قطع عضو و گروهی صرف ایجاد حرج و مشقت را برای تحقق ضرورت شرط دانسته‌اند؛ آنچه مسلم است محقق شدن عنوان ضرورت در جواز مراجعه به پزشک نامحرم شرط می‌باشد؛ ممکن است سؤال شود که تشخیص حد ضرورت بر عهده چه کسی است شخص یا عرف و یا فقیه؟

واژه ضرورت و اضطرار هرچند نزد عرف دارای معنای روشنی است ولی وقتی در دلیل شرعی اخذ می‌شود مراتب خاصی از آن مدنظر است که فقیه آگاه به مفسده‌ی حرمت احکام، می‌تواند قید ضرورت را در احکام ثانوی بیان کند و گرچه در برخی موارد نزد عرف متشرعه شدت مفسده و حرمت روشن است ولی عرف در همه‌ی موارد نمی‌تواند شدت مفسده حرمت را تشخیص دهد و چه بسا در صورت تراحم دو حرام در تشخیص آن که مفسده بیشتری دارد اشتباه کرده و حکم به جواز دیگری دهد. توجه به این مطالب تبیین قید ضرورت و مراتب آن در دلیل شرعی بر عهده فقیه است ولی در مورد صدق اضطرار بر مراتب خاصش، شخص مکلف داور است (ابراهیمی، احکام معالجه پزشک و مراجعه بیمار همراه با لمس و نظر، ۱۳۹۲: ص ۱۳۱). آیت‌الله مکارم، اضطرار را یک امر عرفی دانسته و می‌گوید: «هرگاه تشخیص داده شود راه منحصر به پزشک جنس مخالف است، یا اگر منحصر نیست عسر و حرج دارد، مصداق ضرورت محسوب می‌شود» (مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ۱۴۲۷ق: ج ۲، ص ۵۹۸). و ایشان در جواب سؤال مرجع تشخیص ضرورت کیست؟ فرمودند: «موارد مختلف است؛ در امور ساده بسته به نظر



عرف و در موارد پیچیده بسته به نظر اهل خبره است» (همان، ۶۱۷). آیت الله منتظری در مورد نبین معنای اضطرار گفته‌اند: «اگر تأخیر تا دسترسی به پزشک محرم موجب خطر یا تشدید بیماری یا تأخیر در بهبودی می‌شود، «اضطرار» صدق می‌کند. همچنین اگر مراجعه به محرم موجب عسر و حرج برای او می‌شود می‌تواند به نامحرم مراجعه کند» (منتظری، احکام پزشکی، ۱۴۲۷ق: ۱۸).

### لزوم حضور محرم و عدم خلوت پزشک و بیمار غیر هم جنس

علامه حلی می‌گویند که شایسته است که معاینات در حضور محرم باشد (علامه حلی، تذکره الفقهاء، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۵۷۳). شهید ثانی هم عین همین عبارت را آورده و می‌گوید این بهتر است (عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، ۱۴۲۵ق: ج ۷، ص ۵۰). علامه مجلسی هم در شرح حدیث آبی حمزه، همین نکته را ذکر می‌کنند (مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ۱۴۰۴ق: ج ۲۰، ص ۵۷۳).

### عدم وجود پزشک مماثل یا محرم

چون حکم جواز نگاه پزشک نامحرم مشروط به قید ضرورت و اضطرار است بنابراین در صورت وجود محرم یا پزشک مماثل، نگاه پزشک نامحرم جایز نیست چون با وجود مماثل و محرم دیگر عنوان اضطرار صدق نمی‌کند

### ارفق بودن پزشک غیر هم جنس

طبق نظر همه فقهاء حکم جواز معالجه پزشک نامحرم در صورتی است که پزشک نامحرم حاذق‌تر از مماثل باشد چراکه در غیر این صورت یعنی در فرض مساوی بودن در طبابت و یا در فرض غیر حاذق بودن دیگر اضطراری به معالجه ن پزشک نامحرم نمی‌باشد بنابراین نگاه پزشک در این حالت جایز نمی‌باشد.

### نگاه به اندازه رفع ضرورت

همان‌طور که در بحث اضطرار و شرایط ارتکاب عمل توسط شخص مضطر گفته شده در موارد ضروری باید طبق قاعده به مقدار ضرورت با رعایت مراتب اکتفا کرد قید اکتفا به مقدار ضرورت و حاجت در فتاوی بسیاری از فقهاء قید به مقدار ضرورت از



جمله حضرت امام در تحریر الوسیله (موسوی خمینی، ترجمه تحریر الوسیله، ۱۴۲۵ق: ج ۳، ص ۴۳۵). آیت‌الله مکارم در استفتائات (مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ۱۴۲۷ق: ج ۲، ص ۶۰۰۹). و صاحب جواهر (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۲۱ق: ۸۸) ذکر شده است.

### عدم امکان معالجه توسط نایب

با توجه به قید ضرورت و این‌که باید به اندازه نیاز و رفع آن نگاه کند لذا اگر بتوان با نایب قرار دادن شخص محرم یا هم‌جنس اقدام به معالجه کرد، لازم است برای نگاه در این امور نایب گرفت ولی اگر نتوان با نایب قرار دادن معالجه کرد، معالجه می‌تواند برای درمان، نگاه کند؛ آیت‌الله فاضل معتقد است؛ در صورتی‌که با واسطه قرار دادن بتوان بدون عسر و حرج از بیماری آگاهی پیدا کرد و او را درمان کرد نگاه پزشک نامحرم را جایز نیست، بلکه جواز نگاه پزشک را در صورت عدم امکان واسطه بدون عسر و حرج جایز می‌داند (لنکرانی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، ۱۴۲۸ق: ص ۴۱).

### عدم امکان درمان با استفاده از واسطه و ابزار در نگاه به عورت

شهید ثانی در مسالک نگاه به عورت را در صورتی جایز می‌داند که پزشک نتواند با واسطه قرار دادن زن دیگر یا محرم و یا همسر بیمار از مرض آگاهی پیدا کرده و او را معالجه کند (عاملی، مسالک الالفهام، ۱۴۲۵ق: ص ۵۰). و تقدیم این افراد را بر پزشک معالجه واجب می‌داند؛ آیت‌الله فاضل در مورد نگاه به عورت در مقام معالجه می‌گویند جایز نیست به صورت مستقیم به عورت نگاه کرد بلکه باید نگاه غیرمستقیم و از درون آئینه و مانند آن باشد مگر این‌که معالجه با نگاه غیرمستقیم امکان نداشته باشد. پس از ذکر ادله عقلی و روایی حکم جواز نگاه پزشک معالجه، مستندات فقهی آیت‌الله خوئی و حضرت امام به‌طور جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرد.

### مبانی و مستندات فقهی آیت‌الله خوئی (ره)

مرحوم خوئی برای حکم جواز نگاه به نامحرم در مقام معالجه به معتبره ابی حمزه استناد کرده و آن را برای اثبات حکم جواز کافی می‌داند بنابراین تنها دلیل ایشان همین معتبره ابی حمزه می‌باشد و می‌گویند این روایت صراحتاً دلالت بر جواز نگاه پزشک

نامحرم می‌کند و به کسانی که به قاعده‌ی اضطرار و نفی ضرر برای حکم جواز این مسئله استناد کرده‌اند، اشکال گرفته و معتقدند با رفع ادله اضطرار جواز نگاه پزشک معالج ثابت نمی‌شود چون بنا بر تعبیر «لیس شیء ممّا حرم الله الا قد أحله لمن اضطر الیه»، محرمات فقط برای شخص مضطر جایز می‌شود و در این مسئله اضطرار معالجه برای بیمار است و طبیب هیچ اضطراری ندارد بنابراین مفاد قاعده‌ی اضطرار و لاضرر شامل طبیب نمی‌شود و به استناد ادله اضطرار، فقط زن می‌تواند به پزشک نامحرم مراجعه کند و طبیب نمی‌تواند به او نگاه کند و معتقدند ملازمه‌ای بین جواز مراجعه بیمار و جواز معالجه طبیب نیست و ایشان در ملازمه‌ی بین جواز ابداء صورت و جواز نگاه به آن فرق گذاشته و گفته‌اند جواز ابداء به حکم اولی ثابت است بنابراین حکم جواز نظر که ملازم با آن است هم به دلیل عدم لغویت جایز می‌شود اما در این مسئله حکم جواز بنا بر عنوان ثانویه اضطرار ثابت شده و احکام در عناوین ثانویه دائر مدار اثبات عنوان ثانویه است لذا برای جواز حکم طبیب باید عنوان اضطرار ثابت شود درحالی که در این مقام اضطراری برای طبیب وجود ندارد و در ادامه دو مثال بر استدلال خود ذکر کرده‌اند و می‌گویند اگر زنی مجبور به کشف حجاب شد و اضطرار، جواز کشف حجاب را برای او ثابت کرد حکم جواز نگاه برای دیگری ثابت نمی‌شود کما این که اگر زنی مضطر به زنا شد حکم جواز زنا با او داده نمی‌شود هرچند که زن مضطر باشد چون اضطرار یک عنوان ثانویه است و حکم جواز مبتنی بر ثبوت عنوان اضطرار برای شخص است (خویی، موسوعه الامام خویی، ۱۴۱۸ق: ۷۹). البته ایشان در صورتی که عدم معالجه از سوی طبیب منجر به ضرر رسیدن به طبیب شود تمسک به قاعده نفی ضرر برای دفع ضرر و اضطرار را ممکن می‌دانند.

#### مبانی و مستندات فقهی امام خمینی (ره)

سید مصطفی خمینی در شرح خود بر تحریر الوسيله دليل حکم جواز نگاه پزشک معالج را معتبره ابی حمزه ذکر کرده و می‌گوید ظاهر این روایت دلالت بر حکم جواز دارد؛ عبارت «یکون الرجل ارفق» در سؤال فرض وجود پزشک معالجه که مهارت کمتری دارد را هم شامل می‌شود ولی امام در جواب، عنوان اضطرار و اراده و خواست زن را



مطرح کرده از آنجایی که با وجود مماثل عنوان اضطرار صدق نمی‌کند بنابراین، این روایت دلالت بر جواز نگاه پزشک نامحرم در فرض پزشک مماثل ندارد مگر این که گفته شود ملاک این حکم اضطرار زن به نفس معالجه باشد نه اضطرار به پزشک معالج خاص (مرد) که در این صورت خود اضطرار زن مجوز رجوع به پزشک مرد است در حالی که مورد روایت جواز نگاه پزشک مرد است و شاید هم گفته شود که در صورت صدق حاجت در عرف و بدون این که نیاز به تحمل سختی و بعد مسافت باشد، اضطرار عرفی هم حاصل می‌شود که خود این اضطرار جواز نگاه را به دنبال دارد؛ آنچه به فتوا نزدیک‌تر است این است که نیاز به معالجه برحسب اختلاف مکان و اجزاء بدن مختلف است و منظور از عبارت «فی مکان لا یصلح النظر الیه» که در روایت آمده، جاهایی از بدن مثل وجه و کفین است که نگاه به آن‌ها بدون ضرورت هم جایز است، لذا می‌توان در مقام معالجه به آن‌ها نگاه کرد و در ادامه می‌گویند به طور کلی ممکن است همان‌طور که ابن ادریس در السرائر و علامه در تذکره بیان کرده‌اند منظور از عنوان اضطرار، مطلق حاجت باشد که با صدق عنوان مطلق حاجت، حکم نگاه پزشک نامحرم هم، ثابت شود ایشان در ادامه می‌گویند شهید ثانی در اجماعی که در مسالک ذکر کرده، ادعا کرده‌اند که اضطرار همان مطلق حاجت است که اباحه فعل برای مضطر را ثابت می‌کند؛ ایشان هم همانند مرحوم خوئی معتقدند که تمسک به ادله‌ی اضطرار و نفی ضرر برای اثبات جواز نگاه پزشک معالج مورد اشکال است چراکه اضطرار زنان به نشان دادن مکانی که مورد جواز نگاه نیست و آشکار کردن آن نزد پزشک نامحرم، سبب جواز نگاه پزشک معالج نمی‌شود و حرمت ابداء هم با اضطرار رفع می‌شود ولی به مجرد اضطرار زن اجنبی، حکم وجوب غض مرد مستثنا نمی‌شود، البته اگر معالجه بر پزشک معالج واجب شود در این صورت حرمت نگاه رفع می‌شود و چه بسا در این فرض حتی معالجه هم واجب شود. البته آیت‌الله فاضل در تفصیل الشریعه دلیل جواز را قاعده‌ی اضطرار دانسته و تحقق عنوان اضطرار را، در فرض عدم وجود پزشک مماثل، کامل می‌داند (لنکرانی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، ۱۴۲۸ق: ص ۴۱). علی‌اکبر مازندرانی در کتاب شرح خود بر تحریر الوسیله برای اثبات حکم جواز این مسئله بعد از تمسک به روایت ابی حمزه، روایت ابی البختری

وهب بن وهب و روایت علی بن جعفر که در ادله روایی ذکر شد استناد کرده و گفته مدلول این روایات اختصاص جواز نگاه پزشک معالجه در صورت اضطرار است و استقرار سیره متشرعه بر معالجه پزشک نامحرم را به عنوان کمک به مدلول روایت ذکر می‌کند (مازندرانی، ۱۴۲۹: ۸۰). همان‌طور که صاحب جواهر می‌فرماید، بهتر است در این مسئله به مقداری که در نصوص آمده و آنچه سیره متشرعه بر آن دلالت می‌کند و همچنین بر آنچه اضطرار عرفی با آن محقق می‌شود، بسنده کرد (نجفی، جواهر الکلام ۱۴۲۱ق: ص ۸۸).

### نتیجه‌گیری

مسئله جواز نگاه پزشک نامحرم در صورت ضرورت مورد اتفاق فقها است و بر جواز آن ادله عقلی و روایی ذکر کرده‌اند؛ ولی به دلیل اختلاف در تفسیر معنای اضطرار در محدوده و در تحقق عنوان اضطرار و در نتیجه در شرایط جواز آن اختلاف نظر دارند، آیت الله خویی و حضرت امام، معتقدند تمسک به ادله اضطرار و نفی ضرر، برای اثبات جواز نگاه پزشک معالج، دارای اشکال است و با این ادله فقط جواز مراجعه به پزشک نامحرم و ابداء، اثبات می‌شود، مرحوم خویی، معتبره ابی حمزه را برای اثبات جواز نگاه پزشک معالج به نامحرم، کافی می‌دانند، مازندرانی در شرح خود بر تحریر الوسیله، علاوه بر معتبره ابی حمزه، به روایت ابی البختری و هب بن وهب و روایت علی بن جعفر نیز استناد کرده و استقرار سیره متشرعه بر معالجه پزشک نامحرم رت به عنوان کمک به مدلول روایت ذکر می‌کند؛ به هر حال برای جواز این نگاه شرایطی چون تحقق عنوان اضطرار، عدم وجود مماثل و ارفق بودن پزشک معالج را لازم دانسته‌اند.



## فهرست منابع

### \* قرآن کریم

۱. ابراهیمی، احمد، «احکام معالجه پزشکی و مراجعه بیمار همراه با لمس و نظر»، مجله تاجتهداد، پیش شماره پنجم و ششم، زمستان ۹۱ و بهار ۹۲.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، «لسان العرب»، ج ۳، بیروت، بی نا، ۱۴۱۴ق.
۳. انصاری، دزفولی مرتضی بن محمد امین، «کتاب النکاح»، محقق گروه پژوهشی در کنگره، چ ۱، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
۴. تبریزی، میرزا جواد و خویی، سید ابوالقاسم، «فقه الاعدار الشرعیه والمسائل الطبییه ماصراه النجاه»، چ ۱، قم، نشر دارالصدیقه الشهیده (سلام الله علیها)، ۱۴۲۷ق.
۵. جمعی از پژوهشگران، «فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)»، چ ۱، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۶ق.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، «الصحاح»، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ق.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن، «تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه»، محقق: پژوهشگران موسسه آل البیت علیهم السلام، چ ۱، قم، موسسه آل البیت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹ق.
۸. حکیم، محسن، «مستمسک العروه الوثقی»، قم: دار التفسیر، ۱۴۱۶ق.
۹. حلی، محمد ابن حسن بن یوسف، «ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد»، مصحح: سید حسن موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی و عبدالرحیم بروجردی، چ ۱، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ق.
۱۰. حلی، محمد بن منصور بن احمد (ابن ادیس)، «السرائر الحاوی لتقریر الفتاوی»، چ ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۰ق.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم، «موسوعه الامام خویی»، چ ۴، قم، موسسه احیا آثار خویی، ۱۴۱۸ق.
۱۲. سعدی، ابوجیب، «القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً»، چ ۲، دمشق، ۱۴۰۸ق.
۱۳. سیفی، علی اکبر، «دلیل تحریر الوسیله»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، بی تا.



۱۴. شبیری زنجانی، سید موسی، «کتاب نکاح»، محقق: موسسه پژوهشی رای پرداز، چ ۱، قم، نشر مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ق.
۱۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، «عروه الوثقی مع تعلیقات الفاضل»، شارح: محمد فاضل لنکرانی، چ ۱، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، بی تا.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (ابوجعفر)، «النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی»، چ ۲ بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۰ق.
۱۷. عاملی، زین الدین بن علی، «مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام»، چ ۳، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۵ق.
۱۸. عبد المنعم فهیم، هادی و برکه، دینا محسن، «عالم النبات فی القرآن الکریم»، قاهره: دار الفکر العربی، ۱۴۱۹ق.
۱۹. عبد اللهی علی بیگ، حمیده، «قاعده اضطرار»، دانشگاه قم، نشریه مطالعات اسلامی، شماره ۶۲، ۱۳۸۲.
۲۰. علامه حلی، اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر، «تذکره الفقهاء»، چ ۱، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۳۸۸.
۲۱. علامه حلی، اسدی، حسن بن یوسف مطهر، «قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام»، مصحح: گروه پژوهشی موسسه نشر اسلامی، چ ۱، قم، موسسه مؤسسه، ۱۴۱۳ق.
۲۲. فیض کاشانی، محمد حسن، «الوافی»، محقق: ضیاء الدین حسینی اصفهانی، چاپ اول، اصفهان، نشر کتابخانه امام امیرالمومنین علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۲۳. کرکی، علی ابن حسین (محقق ثانی)، «جامع المقاصد فی شرح القواعد»، چ ۲، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، محقق: علی اکبر غفاری، چ ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۵. مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، «شروح فروع کافی»، محقق: محمد جواد محمودی و محمد حسین درایتی، چ ۱، قم، دارالحدیث للطباعه والنشر، ۱۴۲۹ق.



۲۶. مجلسی، محمدباقر، «مراه العقول فی شرح اخبار آل الرسول»، چ ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۲۷. محدث نوری، میرزا حسین، «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، مصحح: گروه پژوهشی موسسه آل البيت عليهم السلام، چ ۱، بیروت، نشر موسسه آل البيت (عليهم السلام)، ۱۴۰۸ق.
۲۸. محقق داماد یزدی، سید مصطفی، «قواعد فقه»، چ ۱۲، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۲۹. محمد علی اراکی، «کتاب النکاح»، چ ۱، قم، نشر نونگار، ۱۴۱۹ق.
۳۰. مشکینی اردبیلی، علی، «مصطلحات الفقه»، قم، نشر الهادی، ۱۳۸۶.
۳۱. مصطفوی، حسن، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵.
۳۲. مکارم شیرازی، «استفتائات جدید»، مصحح: ابوالقاسم علیان نژادی، چ ۲، قم، نشر مدرسه امام علی ابن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ق.
۳۳. مکارم شیرازی، «استفتائات جدید»، مصحح: ابوالقاسم علیان نژادی، چ ۲، قم، نشر مدرسه امام علی ابن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ق.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، «انوار الفقاهه (کتاب النکاح)»، چ ۱، قم، انتشارات مدرسه امام علی ابن ابیطالب علیه السلام، ۱۴۲۵ق.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، «کتاب النکاح»، مصحح محمدرضا حامدی و مسعود مکارم، چ ۱، قم، انتشارات مدرسه امام علی ابن ابیطالب علیه السلام، ۱۴۲۴ق.
۳۶. منتظری نجف آبادی، حسین علی، «احکام پزشکی»، چ ۳، نشر سایه، ۱۴۲۷ق.
۳۷. موحدی لنکرانی، محمد فاضل، «تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله»، تحقیق و نشر مرکز فقه ائمه اطهار، قم، مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۸ق.
۳۸. موسوی خمینی، سید روح الله، «تحریر الوسیله»، چ ۱، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۳۹۲.
۳۹. موسوی خمینی، سید روح الله، «ترجمه تحریر الوسیله»، مترجم علی اسلامی، چ ۲۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ق.

۴۰. موسوی خمینی، سید روح الله، «توضیح المسائل»، مصحح سید محمد حسین بنی هاشمی، ج ۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی ابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴ق.
۴۱. موسوی خمینی، سید مصطفی، «مستند تحریر الوسیله»، مصحح: گروه پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱، ج ۲، تهران، نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا.
۴۲. نجفی، محمد حسن، «جواهر الکلام»، قم، موسسه دائر المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۲۱ق.
۴۳. نراقی احمد بن محمد مهدی، «مستند الشیعه فی احکام الشریعه»، ج ۱، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ق.